

جزیره‌ای به نام صداوسیما



کامبیز نوروزی

حقوق‌دان

تبعیض نژادویی بر نظام حقوقی رسانه‌های ایران حاکم است. مهم‌ترین رسانه‌های حرفه‌ای ایران، از نظر حقوقی در دو دسته قرار می‌گیرند: دسته اول مطبوعات و خبرگزاری‌ها و دسته دوم رادیو و تلویزیون. مطبوعات و خبرگزاری‌ها تابع قانون مطبوعات هستند، قانونی سخت‌گیرانه برای قدم به قدم کار مطبوعات و روزنامه‌نگاران. مثلا چندین شرط برای صدور پروانه انتشار و نیز مدیرمسئولی وجود دارد و علاوه بر این سه مرجع خاص شامل وزارت اطلاعات و دادگستری و نیروی انتظامی، باید درباره صلاحیت آنها نظر بدهند. طبق همین قانون مدیرمسئول و نویسنده در برابر مطالب منتشره مسئولیت کفبری داشته و ممکن است تحت تعقیب قضائی قرار گیرند. یک هیئت نظارت بر مطبوعات وجود دارد که غیر از نماینده مدیران مسئول سایر اعضای آن از نهادهای حکومتی هستند. اختیارات این هیئت از صدور پروانه انتشار شروع می‌شود و تا اجازه توقیف یا لغو امتیاز مطبوعات و خبرگزاری‌ها ادامه می‌یابد. در سال ۱۳۶۴ تاکنون صدها نشریه به تصمیم همین هیئت توقیف یا لغو امتیاز شده‌اند. غیر از هیئت نظارت بر مطبوعات نهادهای دیگری مانند دادسرا و مراجع امنیتی نیز نظارت‌های گسترده‌ای بر کار مطبوعات و خبرگزاری‌ها دارند. کمتر مدیرمسئولی است از روزنامه‌ها یا خبرگزاری‌ها که یک یا چند بار گذرش به این مراجع نیفتاده باشد. از حدود سال ۱۳۶۹ که روند رشد و توسعه مطبوعات در ایران به آرامی آغاز شد، تاکنون شمار بسیار زیادی از روزنامه‌نگاران و مدیران مسئول چندصنح‌ای از عمر خود را در چهاردیوار محبس گذرانده‌اند.

هیئت نظارت بر مطبوعات تقریبا هر هفته جلسه برگزار می‌کند و با کمک گروه‌های کارشناسی سطر به سطر مطالب نشریات و خبرگزاری‌ها را تحت نظر قرار می‌دهد. قانون مطبوعات رژیم حقوقی تقریبا مشخص و معینی ایجاد کرده که بر تمام جزئیات فعالیت مطبوعات و خبرگزاری‌ها و روزنامه‌نگاران حاکم است. دسته دوم رسانه‌ها شامل رادیو و تلویزیون است. با تفسیر شورای نگهبان از اصل ۱۷۵ قانون اساسی رادیو و تلویزیون انحصاری و در اختیار سازمان صداوسیماست. اما رژیم حقوقی حاکم بر رادیو و تلویزیون و کلا سازمان صداوسیما مبهم، نارسا و ناکافی است. اغلب مواد قانون اداره سازمان صداوسیما (۱۳۵۹) و قانون اساسنامه سازمان (۱۳۶۲) با توجه به تغییر اصل ۱۷۵ قانون اساسی منسوخ تلقی می‌شوند. در حال حاضر عمدتا دو قانون درباره صداوسیما وجود دارد که همچنان معتبرند. یکی قانون الحاق چند ماده به قانون اساسنامه سازمان (۱۳۸۸)-مجمع تشخیصی مصلحت نظام) که در آن شرایط پاسخ‌گویی افراد به مطالب صداوسیما مقرر شده است. دیگری قانون نحوه اجرای اصل ۱۷۵ قانون اساسی (۱۳۷۰)-مجمع تشخیص مصلحت نظام) که در آن شورای نظارت بر صداوسیما تأسیس شده و وظایف مهمی برای این شورا منظور کرده است. در عمل هیچ یک از دو قانون اخیر به درستی اجرا نمی‌شوند. از نقایص مهم قوانین موجود درباره صداوسیما موضوع مسئولیت کفبری ناشی از محتوای برنامه‌های رادیو و تلویزیون است. در صداوسیما معلوم نیست وقتی در برنامه‌ای از رادیو و تلویزیون جرمی رخ می‌دهد، چه کسی را باید مورد مؤاخذه و محاکمه قرار داد. از این دست ابهامات درباره رژیم حقوقی مسئولیت در صداوسیما فراوان است. این ابهامات عملا

میدان وسیعی ایجاد می‌کند که این سازمان به سهولت هرآنچه می‌خواهد انجام دهد و خود را متعهد به پاسخ نیز نذاند. به نظر می‌رسد اراده‌ای وجود دارد که این ابهامات حقوقی همچنان باقی باشند. از اوایل دهه ۱۳۸۰ نمایندگان مجلس یا دولت هفت طرح یا لایحه را درباره اداره صداوسیما و دایره مسئولیت این سازمان پیش‌نویس کردند ولی هیچ‌کدام به سرانجام نرسید و هر یک به شکلی از دور خارج شد. در این بین تنها تعداد قانونی که به صورت اسمی وجود دارد، شورای نظارت بر سازمان صداوسیماست. فقدان قانون فرآگیر و کامل، وجود تعارضات در قوانین ناقص موجود و انفعال شورای نظارت بر صداوسیما عملا منجر به ایجاد جزیره‌ای به نام صداوسیما شده است که در منطقه خلا حقوقی زیست می‌کند. این خلا حقوقی از وضعیت درآمد و هزینه صداوسیما، جهت‌گیری‌های سیاسی، ابهام در مسئولیت کفبری، بهره‌برداری از یک سازمان ملی به نفع جریان‌های سیاسی خاص، کاهش روزافزون میزان مخاطب، بی‌ضابطگی در استفاده از نیروی انسانی تخصصی و بسیاری امور دیگر را دربر می‌گیرد. این یک محیط رسانه‌ای است که رژیم حقوقی مشخصی بر آن حاکم نیست. این مقایسه ساده نشان‌دهنده تبعیض نژادویی است که بر عرصه جامعه رسانه‌ای کشور حاکم بوده و از موجبات ازبین‌رفتن مرجعیت رسانه‌ای کشور است.

چهارشنبه ۳ بهمن ۱۴۰۳
۲۱ رجب ۱۴۴۶
۲۲ ژانویه ۲۰۲۵
سال بیست‌ویکم
شماره ۵۰۳۲
۲۰ هزار تومان
۱۲ صفحه

روزنامه

در «شرق» امروز می‌خوانید: چالش‌ها و راهکارهای توسعه هوش مصنوعی در ایران • در حاشیه کتاب «شرح حال گوته به سعی مفیستو»؛ گوته به روایت مفیستوفلس • در جازدن پرسپولیس در اصفهان

ایران و ایلان

عبدالرحمن فتح‌اللهی؛ از شامگاه دوشنبه و با بازگشت دونالد ترامپ به کاخ سفید، نقش و جایگاه چهره‌هایی مانند ایلان ماسک در دولت جدید آمریکا بیش از پیش مورد توجه قرار خواهد گرفت. مالک شرکت‌هایی مانند تسلا، اسپیس‌ایکس و شبکه اجتماعی ایکس (توییتر سابق)، مشخصا تاکنون دو بار نامش با ایران گره خورده است. در حالی اواخر آبان انتشار خبر مذاکره و دیدار ایلان ماسک با امیرسعید ابروانی، سفیر ایران در سازمان ملل به یک حاشیه رسانه‌ای و دیپلماتیک بدل شد که اکنون برخی گزارشات از نقش دوباره ثروتمندترین فرد جهان در آزادی خبرنگار ایتالیایی از ایران حکایت دارد؛ موضوعی که خود ایلان ماسک هم به نوعی آن را تأیید کرده است. در پیوست این نکته و به نوشته مهر، این سرمایه‌دار آمریکایی در شبکه اجتماعی «ایکس» و در پاسخ به یک کاربر که پرسیده بود آیا گزارش‌ها درباره نقش او در آزادی این خبرنگار ایتالیایی درست است، صرفا به بیان همین جمله بسنده کرد که «من نقش کوچکی داشتم». اشاره ماسک به آزادی چچیلیا سالا، خبرنگار ایتالیایی است که اوایل دی‌ماه به اتهام نقض

ایلان ماسک، مدیرعامل شرکت تسلا، شرکت خودروسازی آمریکایی، در جریان دیدار با رهبران ایران در کاخ سفید، واشینگتن، آمریکا، ۲۰۲۱.

گزارشی از ماجرای نفی و پذیرش تعامل میان مثلث تهران، ژنو و واشنگتن آیا ایران و آمریکا در نهایت گفت‌وگو خواهند کرد؟

بیم و امیدهای مذاکره

صفحه ۲

یادداشت

تأثیر یارانه سوخت بر فرهنگ کار؛ سفری به سراوان



زهرا کریمی

عضویت علمی بازنشسته دانشگاه مازندران

این مناطق می‌گویند جوانان به کار در نخلستان‌ها اصلا علاقه‌ای ندارند و صرفا سالخوردگان به نخلستان‌ها رسیدگی می‌کنند و نیروی کار آنها کافی نیست. با وجود این، هنوز صادرات خرما از فعالیت‌های مهم منطقه است که تداوم آن در خطر قرار دارد. در کنار برخی از جوی‌های آبی که از قنات‌ها تغذیه می‌شوند، زباله جمع شده و مشخص است که تداوم این شرایط به سلامت نخلستان‌ها آسیب وارد می‌کند.

برخی از معاملات سوخت، درآمدهای نجومی روزانه ده‌ها میلیون تومانی کسب می‌کنند. این درآمد بادآورده آسپیی جدی به فرهنگ کار در مناطق مرزی وارد کرده است. اقشار مختلف جامعه، زن و مرد، کودک، جوان و پیر، بی‌سواد و تحصیل‌کرده، به کسب‌وکار و معاملات بنزین و گازوئیل روی آورده‌اند. حتی

یادداشت

نرخ ارز، ساختار رانتی و ذی‌نفعان



محمدرضا یوسفی شیخ‌رباط

اقتصاددان و استاد دانشگاه مفید

نرخ ارز از کلیدی‌ترین متغیرهای اقتصادی است و هر روز بر اهمیت آن در اقتصاد افزوده می‌شود. نرخ ارز عامل مهمی در موازنه پرداخت‌ها است. با توجه به جایگاه نفت در اقتصاد ایران، نرخ ارز علاوه بر اثرگذاری بر صادرات و واردات، درآمدی برای دولت محسوب شده و عاملی بر تأمین بودجه است.
ارز نیز دارای بازاری است که دو طرف عرضه و تقاضا دارد. در ساختار اقتصادی و سیاسی کشورهای توسعه‌یافته، نرخ ارز، شناور مدیریت شده از تلافی صادرکنندگان و واردکنندگان به دست می‌آید. در این کشورها، اقتصاد بانثا بوده و براساس منطق اقتصاد بازار، صادرکنندگان عرضه‌کننده و واردکنندگان نیز تقاضاکننده ارز هستند. اهداف ثانویه مانند دلالی و سفته‌بازی در بازار ارز وجود ندارد. نرخ ارز به طور طبیعی تعیین می‌شود که براساس آن تعادل تراز تجاری را ممکن می‌کند. ساختار اقتصاد ایران ساختاری سه‌بخشی است؛ بخش خصوصی ضعیف، بخش دولتی مداخله‌گر و بخش خصولتی که از سویی از منابع عمومی بهره می‌برد و از سوی دیگران اهداف حداکثرسازی سود را دنبال می‌کند. این سه بخش، صادرکنندگان هستند. بخش خصوصی ضعیف در مجموع کمترین سهم در صادرات را دارد. اکنون بخش دولتی از طریق فروش منابع طبیعی نفت و گاز درآمد کسب کرده و از این طریق اهدافی مانند تأمین مالی دولت و صندوق ذخیره ارزی و دیگر موارد را دنبال می‌کند. بخش سوم شامل فولادی‌ها، معدنی‌ها، پتروشیمی‌ها و مانند آن هستند که از منابع عمومی یارانه‌ای بهره می‌برند و محصولات را عمدتا در بازارهای جهانی عرضه می‌کنند. دولت بخش مهمی از ارز را به بانک مرکزی داده و با دریافت پول به تأمین مالی خود می‌پردازد و موجب افزایش پایه پولی و نقدینگی می‌شود. بخش خصولتی بعد از دولت، مهم‌ترین صادرکننده است. این بخش پرقدرت بوده، با وجود داشتن جنبه عمومی، تابع سیاست‌های دولت نیست و از آزادسازی نرخ ارز، بیشترین نفع را می‌برد؛ زیرا هزینه‌های یارانه‌ای و درآمدها از طریق بازارهای جهانی به دست می‌آید. بخش خصوصی که سهم به نسبت پایین‌تری از دو بخش دیگر در صادرات دارد، هزینه‌هایش در بازارهای

شرق

یک کتاب، یک نویسنده؛ گفت‌وگوی احمد غلامی با پرویز پیران

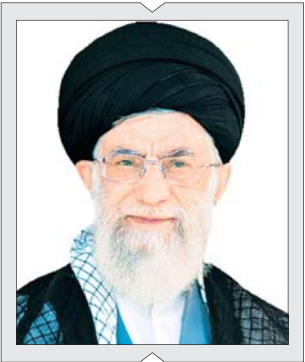
به مناسبت انتشار کتاب «روایت پرویز پیران از مسئله توسعه در ایران»

گوش کر تاریخ ما



این گفت‌وگو در صفحه ۴ بخوابید.عبدالله سپهرنگاری شرق

برای دیدن گفت‌وگو اینجا را اسکن کنید



حضرت آیت‌الله خامنه‌ای از نمایشگاه «یشکامان پیشرفت، رویداد ملی توانمندی‌ها و دستاوردهای بخش خصوصی» بازدید کردند

تاکید رهبر انقلاب بر میدان دادن به بخش خصوصی

۲

برگزیده‌ها

بژمان جوزی، رئیس انجمن صنعت ساختمان، رانت و فساد را مانع اصلی شهرسازی علمی و کارشناسی دانست

۱۷امضای طلایی پروانه ساختمانی

۴

دونالد ترامپ در اولین ساعات ریاست جمهوری دست به کار شد

فرمان‌هایی علیه میراث بایدن

۵

بعید است هواداران دیگر فریب بخورند

اسم، موسیمانه شغل، گردن‌نگیر!

۹

بررسی گزارش عملکرد سازمان آتش‌نشانی در صحن شورای شهر تهران

تهران ایمن در برابر آتش

۱۰

گزارش «شرق» از تسهیلگری و توانمندسازی مردم محلی در سیستان وبلوچستان به همت «اردبیهشت»

راه طولانی برای ساختن جهانی بهتر

۸

یادداشت

ترکیه و خلأ ژئوپلیتیک منطقه



محموداشرفی

برهم‌خوردن موازنه قوا پیامد کشمکش‌های نظامی و فرجام حتمی آن ایجاد خلأ ژئوپلیتیک منطقه‌ای است. اکنون بخش وسیعی از خاورمیانه در چنین وضعیتی قرار دارد. در گیرودار دگرگونی‌های سوریه، کشور ترکیه بر آن است تا با تحکرات نظامی و دیپلماتیک، مواضع ژئوپلیتیکی خود را مستحکم کند. اما ترکیه برای اعمال استراتژی فراملی جاری خود با مشکلات ژرفی روبه‌رو است. استراتژی سیاسی-نظامی ترکیه سه سویه دارد. نخست استقرار امنیت در مرزهای شرقی و کردششین خود. این گرایش ترکیه با مواضع آمریکا در تضاد است، زیرا آمریکا از کردهای سوریه حمایت می‌کند. با توجه به درهم‌تنیدگی کردهای مسلح در مرزهای ترکیه و سوریه این سیاست قوم‌گرایانه ترکیه کارساز نخواهد بود. هرچند ترکیه در ناتو عضویت دارد اما سیاست‌های قوم‌مدارانه ترکیه با مواضع امنیتی این سازمان سازگار نیست. بخش دیگر استراتژی که ترکیه در مرزهای جنوبی خود پیش‌رو دارد، برخاسته از یک گفت‌مان نزادپرستانه و ناشی از رؤیای تجدید حیات حکومت عثمانی است. البته این گرایش در استراتژی جاری منطقه‌ای ترکیه بسیار کم‌رنگ است، زیرا با واقعیت‌های جهان معاصر دم‌ساز نیست. هدف و گرایش اصلی ترکیه گسترش نفوذ سیاسی منطقه‌ای است. این برنامه از طریق بهبود مناسبات سیاسی و گسترش روابط اقتصادی امکان‌پذیر است. کنش‌های سیاسی ترکیه در راستای استحکام روابط سیاسی با سوریه است. اما این کشور چشم‌انداز اقتصادی مناسبی برای سرمایه‌گذاری ترکیه ندارد. بیشترین منافع اقتصادی توسعه‌ترکیه در نتیجه چنددهه‌بحران در منطقه ایجاد شده است. در استراتژی‌های ملی ترکیه سویه اقتصادی بر دیگر موارد چیرگی دارد. درحال‌حاضر ترکیه درصدد تأثیرگذاری بر پرابند ژئواستراتژیک منطقه و پیرکردن خلأ ژئوپلیتیک به نفع منافع ملی خود است. ترکیه در راه رسیدن به نقاط هدف‌گذاری‌شده در برنامه استراتژیک خود موانع بزرگی را در برابر دارد. قومیت‌گرایی، تضاد با استراتژی‌های منطقه‌ای ناتو و آمریکا و هراس از به‌کارگیری منابع اقتصادی، چیرگی استراتژیک منطقه‌ای ترکیه را دشوار کرده است.